

سه گفتار تطبیقی در بزه‌دیده‌شناسی: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

مترجم: مهرداد رایجیان اصلی*

چکیده: بزه‌دیده‌واقعی است که نه تنها باید به بررسی نقش و سهم او در فرایند جنائی پرداخت، بلکه باید به نقش و جایگاه او در فرایند عدالت کیفری نیز توجه کرد. زیرا، این توجه و حمایت بایسته از او اثر چشمگیری در پیشگیری از جرم از رهگذر پیشگیری از بزه‌دیدگی دارد. بی‌گمان، شناخت یافته‌ها و ملاکهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در پرتو یک مطالعه تطبیقی راه دستیابی به این مهم را هموارتر خواهد ساخت.

کلید واژه‌ها: بزه‌دیده، بزه‌دیدگی، فرایند کیفری، پرداخت غرامت، جبران خسارت

پیش‌گفتار مترجم

بزه‌دیده‌شناسی یکی از گرایش‌های نوپای جرم‌شناسی است که از بستر مطالعات دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی سر برآورده است. مطالعه نقش بزه‌دیده در رویداد جنائی (جرم) و حمایت بایسته از او، دو ضلع اصلی این رشته مطالعاتی است. ضلع نخست، که از آن با نام «بزه‌دیده‌شناسی نخستین (یا علمی)» یاد می‌کنند به بررسی نقش و سهم بزه‌دیده در آنچه بر سرش آمده است، می‌پردازد؛ ولی ضلع دوم که آن را «بزه‌دیده‌شناسی دومین (یا حمایتی)» می‌نامند با تأکید بر رسمیت یافتن حقوق مشخصی برای بزه‌دیدگان، حمایت همه‌جانبه از آنان را دنبال می‌کند. مهمترین رهیافت جرم‌شناسانه بزه‌دیده‌شناسی، که کانون مشترک هر دو ضلع آن را شکل می‌دهد، پیشگیری از بزه‌دیدگی است. به دیگر سخن می‌توان گفت، پیشگیری از رویداد جنائی - که در هر دو بعد کنشی و واکنشی، مهمترین دغدغه سیاست‌گذاران عدالت کیفری به شمار می‌آید - امروزه به قلمرو بزه‌دیده‌شناسی نیز کشانده شده است. با این همه به نظر می‌رسد دست‌اندرکاران عدالت کیفری ایران که بویژه در چند سال گذشته، تلاش‌های شایان توجهی در عرصه تحولات قضائی و کیفری کشور از خود نشان داده‌اند به بزه‌دیده‌شناسی و نقش و جایگاه مهم آن در پیشگیری از جرم کمتر بها داده‌اند.

در جستاری که پیش‌رو دارید، با تأکید بر اهمیت مطالعات تطبیقی، سه گفتار گوناگون - و در عین حال مکمل همدیگر - برای معرفی بیشتر بزه‌دیده‌شناسی به خوانندگان محترم برگزیده شده است. نخستین گفتار، برگردان مقاله‌ای فشرده درباره «نقش و موقعیت بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری هلند» است که به قلم یک حقوق‌دان هلندی به نام سام استولویچ نوشته شده و در شماره ۷۳ مجله بین‌المللی حقوق کیفری به چاپ رسیده است. دومین گفتار که نمونه‌ای منطقی‌ای از تحولات بزه‌دیده‌شناختی به شمار می‌آید، برگردانی از «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار» است، که در ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳ به تصویب شورای اروپا در استراژبورگ رسیده است. این سند منطقی‌ای راه را برای تدوین ملاک‌های بین‌المللی در زمینه توجه شایسته‌تر به بزه‌دیدگان و حمایت بیشتر و بهتر از آنها در

سطح جهانی هموارتر ساخت، به گونه‌ای که مجمع عمومی سازمان ملل متحد به موجب قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ در پی آن اعلامیه‌ای به نام «اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» را از تصویب گذراند که برگردان آن موضوع سومین گفتار از بخش ترجمه را تشکیل می‌دهد. اگرچه این اعلامیه بر خلاف کنوانسیون اروپایی اثر الزام‌آوری ندارد و تنها یک سند راهنما و توصیه‌ای به شمار می‌رود، آن را باید یک منشور مبنا برای شناساندن بزه‌دیدگان و جنبه‌های گوناگون حمایت از آنان دانست که مفاد آن در دو دهه گذشته از سوی نظامهای حقوقی بسیاری با اقبال روبه‌رو شده است.

امید است برگردان این سه گفتار تطبیقی، ضمن شناساندن بهتر موضوع بزه‌دیدگان و بزه‌دیده‌شناسی گامی هرچند کوچک برای دستیابی به یک نظام سیاست جنائی به شمار آید که همزمان «بزه‌کارمدار و بزه‌دیده‌مدار» باشد؛ نظامی که با بها دادن یکسان به هر دو کنشگر فرایند جنائی و کیفی - یعنی بزه‌کار و بزه‌دیده - راه دستیابی و جامعه عمل پوشاندن به حقوق و نیازهای هر دو کنشگر را با عدالت و انصاف پیماید.

گفتار نخست: نمونه داخلی

نقش و موقعیت بزه‌دیدگان در نظام کیفری هلند*

نویسنده: سام استولویج

۱. درآمد

به تازگی، تحقیق گسترده و پرمحتوایی دربارهٔ «موقعیت حقوقی بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری هلند» به چاپ رسیده است. این تحقیق بخشی از یک پژوهش بزرگ دربارهٔ این موضوع در بیست و دو کشور اروپایی است. دلیل انجام این تحقیق یافتن پاسخی به این پرسش بود که آیا پیشنهاد شماره (۸۵) ۱۱ شورای اروپا - که بر بهبود موقعیت بزه‌دیدگان در کشورهای اروپایی تأکید می‌کند - با موفقیت همراه بوده است. این پیشنهاد، به بهسازی اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان در فرایند کیفری، آسان کردن جبران خسارت مادی و معنوی از بزه‌دیده و افزایش حمایت‌های حقوقی از بزه‌دیدگان^(۱) در این فرایند تأکید می‌ورزد.

این تحقیق با عنوان «بزه‌دیدگان در ۲۲ نظام عدالت کیفری اروپایی» سال گذشته در انتشارات حقوقی ولف چاپ شد و نویسندگان آن، دکتر ماریون ای. ال برایان و دکتر ارنستین اچ. هوگن از دانشکده حقوق دانشگاه کاتولیک برابانت‌اند. آنها از این تحقیق به عنوان پایان‌نامهٔ دکتری خود به راهنمایی مارک خسرون هایسین - استاد حقوق کیفری دانشگاه یاد شده - در ژوئن ۲۰۰۰ دفاع کردند.

* The Role and Position of Victims of Crime in the Dutch Criminal Law, Sam Stolwijk, in: *International Review of Penal Law*, 73^e année, 1^{er} et 2^e, trimestre 2002, Editions Érès, pp. 233-236.

۱. منظور از «حمایت‌های حقوقی» سازوکارهایی است که برای احقاق حقوق بزه‌دیدگان و برآورده کردن نیازهای آنها - بویژه، جبران خسارت - در فرایند کیفری به کار گرفته می‌شود. حقوق یاد شده ممکن است انسانی - اخلاقی (مانند رعایت احترام و منزلت بزه‌دیدگان) یا عینی - مادی (مانند کمک‌رسانی مناسب به بزه‌دیدگان) باشد. نمونه‌هایی که نویسندهٔ هلندی از آنها نام می‌برد (یعنی اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان در فرایند کیفری یا آسان کردن جبران خسارت مادی و معنوی از بزه‌دیده) برجسته‌ترین گونه‌های حمایت‌های حقوقی‌اند. پاراگراف ۱۶ اعلامیهٔ سازمان ملل دربارهٔ «اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» (مصوب ۱۹۸۵) هم به مهمترین حقوقی که بزه‌دیدگان باید از آن بهره‌مند باشند، پرداخته است (بنگرید به گفتار سوم: برگردان اعلامیهٔ یاد شده). [مترجم]

من از این کتاب نام بردم، زیرا فصلی از آن که به نظام حقوقی هلند اختصاص دارد- یعنی: فصل ۱۷، با عنوان هلند (صص ۶۴۱ تا ۷۲۰) - تازه ترین و کاملترین تحقیقی است که تاکنون دربارهٔ موقعیت بزه‌دیدگان انجام شده است.

۲. پرسشها

یکی از مهمترین پرسشهای موجود این است که بویژه در پرونده‌هایی که وکیل مدافع در حضور متهم از بزه‌دیده به عنوان گواه پرسش می‌کند - هرچند بزه‌دیده نمی‌خواهد با متهم روبه‌رو شود^(۱) - بزه‌دیده چه موقعیتی در آیین دادرسی کیفری باید داشته باشد؟

در نظام حقوقی هلند یکی از فرضهای اساسی، حق وکیل مدافع برای پرسش از همهٔ گواهانی است که گواهی آنها در دفاع مؤثر شناخته می‌شود. این حق که در سطح داخلی قانونگذاری شده بازتابی از مادهٔ ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.^(۲) این حق بخشی از اصل دادرسی منصفانه است که در همهٔ مراحل آیین دادرسی کیفری حکمفرماست.^(۳) با وجود این، در حقوق هلند حضور بزه‌دیده - گواه^(۴) در دادگاه و

۱. بهرین از رویارویی با روبه‌رو ساختن بزه‌دیده با متهم (با بزه‌کار) به عنوان یکی از حقوق عینی - مادی بزه‌دیدگان یکی از مؤلفه‌های مهم «تأمین امنیت آنان» است. نظام عدالت کیفری بر این اساس باید بکوشد تا از این رویارویی جلوگیری کند. وانگهی، در صورت رویارویی باید از بزه‌دیدگان بسیار حمایت و مراقبت کرد. این حمایت به پیشگیری از آسیبهای احتمالی به بزه‌دیده کمک می‌کند. دستگاه قضائی به همین منظور می‌تواند اتاقهای ویژه‌ای برای انتظار بزه‌دیدگان و گواهان پیش‌بینی کند یا راههای خروجی مناسبی برای آنها در ساختمان دادگاه در نظر بگیرد. بند (ت) از پاراگراف ۶ اعلامیهٔ سازمان ملل (مصوب ۱۹۸۵) به مهمترین مؤلفه‌های تأمین امنیت بزه‌دیدگان - از جمله، بهرین از رویارویی بزه‌دیده با متهم یا بزه‌کار می‌پردازد (ر.ک: گفتار سوم: برگردان اعلامیهٔ یاد شده). [مترجم]

۲. بند (پ) - ۳ از مادهٔ ۶ کنوانسیون به حق دفاع متهم - از جمله به کمک یک وکیل مدافع (حتی رایگان در صورت ناتوانی مالی متهم) اشاره می‌کند. ر.ک:

Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms [and its protocols], Human Rights Information Centre, Publishing and Documentation Service, printed in France, 1995, English, p. 6. [مترجم]

۳. برای آگاهی بیشتر از مفهوم دادرسی منصفانه (fair trial) ر.ک: آشوری (دکتر محمد) - زیر نظر - حقوق بشر: مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش، ۱۳۸۳، صص ۳۲۵ و بعد. [مترجم]

پرسش از وی برای بکارگیری اظهارات او به عنوان دلیل، از شرایط اساسی [دادرسی منصفانه] نیست. قاعدهٔ بهترین دلیل^(۱) که به موجب آن تنها، اظهاراتی که در مقابل دادرس ارائه می‌شود، قانونی به شمار می‌رود، در هلند اجرا نمی‌شود. با وجود این، دادرس نمی‌تواند به سادگی درخواست وکیل مدافع را برای شنیدن اظهارات گواه نادیده بگیرد.

قانون، به روشنی زمانی را که دادرس می‌تواند پرسش از بزه دیده - گواه را در دادگاه نپذیرد، مشخص کرده است. نخست، در صورتی که دادرس معتقد باشد این پرسش و پاسخ به دلیل در دسترس نبودن گواه مفید و مناسب نخواهد بود (مادهٔ ۲۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری). [دوم]، وقتی خودداری از پرسش و پاسخ با منافع وکیل مدافع در تعارض نباشد، دادرس می‌تواند تصمیم مشابهی اتخاذ کند و این زمانی است که پرسش و پاسخ تأثیری در دلایل و مدارک مورد نیاز برای تصمیم‌گیری در پروندهٔ کیفری ندارد (مادهٔ ۲۶۴ همان قانون).

سومین دلیل برای نپذیرفتن پرسش از بزه‌دیده در دادگاه، عقیدهٔ دادرس به زیانبار بودن رویارویی بزه‌دیده با متهم است. زیان [وارد بر بزه‌دیده] خسارت عاطفی^(۲) را نیز در برمی‌گیرد. این [خسارتها] بویژه در پرونده‌های سوء استفادهٔ جنسی^(۳) بسیار مهم‌اند. دادرس باید با دقت بسیار به منافع متهم و بزه‌دیده در برابر هم توجه کند؛ بویژه وقتی ارزش دلیل بزه‌دیده با ابهام و تردید همراه است - که در بیشتر موارد در رسیدگی‌های کیفری چنین است - دادرس به برتری دادن منافع وکیل مدافع گرایش دارد. بزه‌دیده‌ای که در نبود متهم در دادگاه توسط وکیل مدافع مورد پرسش قرار

1. the rule of best evidence

۲. emotional damages: تعبیر دقیق‌تر این اصطلاح، «درد - و - رنج عاطفی» (emotional suffering)

به معنای تأثیرپذیری یا واکنش روانی بزه‌دیده است که در برخورد با یک امر بیرونی به نام «جرم» در او پدید می‌آید و ممکن است به صورت ترس، خشم یا کینه نمایان شود. در پاراگراف یک اعلامیهٔ سازمان ملل (۱۹۸۵) هم در کنار دیگر آسیب‌دیدگی‌های مجرمانه (از جمله آسیبهای بدنی، روانی، زیان مالی) به «درد - و - رنج عاطفی» وارد به بزه‌دیده اشاره شده است (ر.ک: گفتار سوم: برگردان اعلامیهٔ یاد شده).

[مترجم]

3. sexual abuse

می‌گیرد، یک راه‌حل ممکن در اختیار دارد. اگر متهم بزه‌دیده را تهدید کند، روش خاصی در حقوق هلند وجود دارد. در چنین مواردی این امکان وجود دارد که ادعای بزه‌دیده تنها در مرحله تحقیقات مقدماتی شنیده شود، ولی اظهارات او در دادگاه به صورت کتبی مطرح خواهد شد.

۳. حق بزه‌دیده برای دریافت غرامت^(۱)

اصل کلی این است که بزه‌دیده در برابر خسارت وارد شده از سوی متهم حق دارد غرامت دریافت کند. او می‌تواند این غرامت را از راه آیین دادرسی مدنی مطالبه کند، ولی ادعایش در چارچوب آیین دادرسی کیفری نیز قابل طرح است. چنانچه ماهیت ادعا ساده باشد، دادرس آن را خواهد پذیرفت.

الف) حق دریافت غرامت برای بزه‌دیدگان جنایات جنگی و جرائم علیه بشریت

آیین دادرسی کیفری این جرائم تاکنون در هلند پیشینه‌ای نداشته است. از زمان جنگ جهانی دوم هلند در چنین جرائمی درگیر نبوده است. قربانیان این جرمها - که در طول اشغال آلمان در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ ارتکاب یافته بودند - توسط بنیادهای ویژه‌ای غرامت دریافت کرده‌اند. برای نمونه، برای کسانی که عضو جبهه مقاومت بوده‌اند، دریانوردان و خانواده آنها و برای هلندیهایی که از خشونت جنگی در جزایر اندونزی شرقی^(۲) به شدت آسیب دیده‌اند، بنیادهایی وجود دارد. به تازگی، بنیادهایی برای پرداخت غرامت به جمعیت‌هایی مانند یهودیان و کولیها، در برابر آسیب وارد شده به آنها در اردوگاههای کار اجباری آلمان نازی تأسیس شده است. دولت هلند همه عهدنامه‌هایی را که جنایات جنگی و جرائم علیه بشریت را محکوم می‌کنند،^(۳) امضا کرده است. بنابراین، ادعای همه قربانیان این جرمها در

۱. درباره جبران خسارت از بزه‌دیدگان بنگرید به گفتار دوم: برگردان «کنوانسیون اروپایی جبران خسارت از بزه‌دیدگان خشونت بار».

۲. Netherlands East Indies: نامی که به کشور اندونزی پیش از استقلال (در سال ۱۹۴۵) اطلاق می‌شد.

۳. برای آگاهی از این جنایات و عهدنامه‌های محکوم کننده آنها بنگرید به: ر.ک: اردیلی (دکتر محمدعلی)، حقوق بین‌الملل کیفری - گزیده مقالات ۱ - نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۵۷ تا ۱۹۴.

نظام حقوقی هلند پذیرفته می‌شود.

ب) برده داری^(۱)

برده داری یکی از جرمهای علیه انسانیت است. از سده نوزدهم، برده داری در هلند قابل مجازات است (ماده ۲۷۴ قانون جزا). به این ترتیب، پیگرد این جرم - دست‌کم به معنای سنتی آن - مدتهاست که صورت نگرفته است. در واقع، مخالفت با برده داری به اقدام سریع دولت هلند در جرم‌انگاری این پدیده انجامید.

پ) تجارت زنان و کودکان

در سال ۱۹۹۴، قانونگذار هلند مقررات ویژه‌ای برای مجازات تجارت افراد - بویژه، زنان و کودکان - تصویب کرد. این مقررات (ماده ۲۵۰ قانون جزا) به مجازات بهره‌کشی از زنان برای فحشا اشاره می‌کند. همین قواعد دربارهٔ کودکانی که موضوع بهره‌کشی قرار می‌گیرند، کاربردپذیراند. حداکثر مجازات‌ها افزایش یافته‌اند و همکاری بین‌المللی بسیار ارتقا پیدا کرده است. این جرمها همواره توسط شبکه‌های بین‌المللی (سازمانهای مجرمانه) ارتکاب می‌یابند. قربانیان این جرمها می‌توانند به قواعد معمول دریافت غرامت از بزه‌کاران استناد کنند. وقتی بزه‌کاران به چنگال عدالت گرفتار نشده‌اند، بزه‌دیدگان می‌توانند به مقررات حقوقی برای خارجیان که بدون هیچ تدبیر حمایتی به هلند وارد شده‌اند، استناد کنند.

ت) تبعیض^(۲)

در حقوق هلند، گونه‌های مختلف تبعیض قابل مجازات است. این مجازات‌ها به حقوق عمومی محدود نیست. در حقوق مدنی نیز تبعیض علیه اشخاص به دلیل نژاد، ملیت، جنس یا مذهب آنها ممنوع است. بزه‌دیدگان رفتار تبعیض‌آمیز برای دستیابی به غرامت راههای گوناگونی پیش‌رو دارند. چنین جبران خسارتی، به صورت مالی یا در چارچوب اعاده وضع تحقق‌پذیر است. تاکنون، دادرسان گرایشی به تعیین خسارت معنوی برای چنین بزه‌دیدگانی از خود نشان نداده‌اند.

1. slavery

2. discrimination

ث) همکاری بین‌المللی

دولت هلند با گسترش ابزارهایی نو در سطح بین‌المللی، در مبارزه با نقض حقوق بشر- و در صورت نقض آن - در مجازات و جبران خسارت از بزه‌دیدگان [جرمهای مربوط] شرکت فعال دارد. هلند از دادگاه یوگسلاوی، لاکربی در زایست^(۱) و دیوان بین‌المللی دادگستری در هلند (لاسه) حمایت می‌کند.

گفتار دوم. نمونه منطقه‌ای

کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرمهای خشونت بار*
(استرازابورگ، ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳)

دولتهای عضو شورای اروپا با امضای این سند،
با در نظر گرفتن اینکه هدف شورای اروپا دستیابی به یکپارچگی بیشتر میان
اعضای آن است؛

با توجه به اینکه به دلیل انصاف و همبستگی اجتماعی پرداختن به وضعیت
بزه‌دیدگان جرمهای عمدی خشونت‌بار که به آسیب بدنی یا آسیب به سلامتی دچار
شده‌اند و بستگان کسانی که در نتیجه چنین جرمهایی مُرده‌اند، ضروری است؛
با در نظر داشتن اینکه ایجاد یا گسترش طرحهای پرداخت غرامت به این
بزه‌دیدگان به وسیله دولتی که این جرمها در قلمرو آن واقع شده، ضروری است،
بویژه زمانی که بزه‌کار شناسایی نشده یا توانایی مالی ندارد؛

با در نظر گرفتن اینکه تصویب مقررات حداقلی در این زمینه لازم است؛
با توجه به قطعنامه شماره ۲۷(۷۷) کمیته وزیران شورای اروپا درباره پرداخت
غرامت به بزه‌دیدگان، در موارد زیر به توافق رسیدند:

1. Zeist

* European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes,
Strasbourg, 24. xl. 1983, in: Council of Europe- ETS no. 116, pp. 1-3.

بخش نخست - اصول کلی

ماده ۱

طرفهای کنوانسیون متعهد می‌شوند برای اثر دادن به اصول مندرج در این بخش گامهای اساسی بردارند.

ماده ۲

۱. وقتی جبران خسارت کامل از منابع دیگر ممکن نباشد، دولت باید در پرداخت غرامت [به اشخاص زیر] سهمین شود:
الف - کسانی که به دنبال یک جرم عمدیِ خشونت‌بار به آسیب بدنی شدید یا آسیبی به سلامتی دچار شده‌اند؛
ب - بستگان کسانی که در نتیجهٔ چنین جرمهایی مرده‌اند.
۲. حتی اگر بزه‌کار را نتوان تعقیب یا مجازات کرد، پرداخت غرامت باید انجام شود.

ماده ۳

- دولتی که جرم در قلمرو آن رخ داده است باید خسارت را [به اشخاص زیر] بپردازد:
- الف - به تابعان دولت عضو کنوانسیون؛
 - ب - به تابعان دولتهای عضو شورای اروپا که در قلمرو دولت محل وقوع جرم اقامت دائم دارند.

ماده ۴

- پرداخت غرامت بر طبق پروندهٔ مورد رسیدگی دست‌کم موارد زیر را شامل می‌شود:
- از دست دادن درآمد؛

- هزینه‌های پزشکی و بیمارستان و کفن و دفن، و هزینه‌های زندگی بستگان.

ماده ۵

در طرح پرداخت غرامت می‌توان در صورت لزوم برای یکایک یا همهٔ اجزای غرامتی که باید پرداخت شود، حداکثر و حداقلی در نظر گرفت.

ماده ۶

در طرح پرداخت غرامت می‌توان مهلتی را که در آن غرامت باید پرداخت شود، تعیین کرد.

ماده ۷

غرامت را می‌توان به دلیل وضعیت مالی درخواست‌کننده کاهش داد یا از پرداخت آن جلوگیری کرد.

ماده ۸

۱. غرامت را می‌توان به دلیل رفتار بزه‌دیده یا درخواست‌کننده در جریان ارتکاب جرم یا پیش از آن یا به نسبت آسیب یا مرگ [رخ داده]، کاهش داد یا از پرداخت آن خودداری کرد.

۲. غرامت را به دلیل دخالت بزه‌دیده یا درخواست‌کننده در جرم سازمان یافته یا عضویت او در سازمانی که در جرمهای خشونت بار درگیر است، نیز می‌توان کاهش داد یا از پرداخت آن جلوگیری کرد.

۳. همچنین، در صورتی که حکمی با مقتضای عدالت یا نظم عمومی مغایر باشد، می‌توان غرامت را کاهش داد یا از پرداخت آن جلوگیری کرد.

ماده ۹

برای جلوگیری از پرداخت غرامت دوباره، دولت یا مقام صلاحیتدار می‌تواند از [مبلغ] غرامت تعیین شده کم کند یا پولی را که در نتیجه آسیب یا مرگ از بزه‌کار، تأمین اجتماعی یا بیمه یا هر منبع دیگری دریافت شده از غرامت‌گیرنده بازپس بگیرد.

ماده ۱۰

دولت یا مقام صلاحیتدار را می‌توان نماینده حقوق شخص غرامت‌گیرنده برای غرامت پرداخت شده قرار داد.

ماده ۱۱

هر یک از طرفهای [کنوانسیون] برای تضمین دسترسی درخواست‌کنندگان احتمالی به اطلاعات مربوط به طرح پرداخت غرامت باید گامهای اساسی بردارند.

بخش دوم - همکاری بین‌المللی

ماده ۱۲

پیرو توافق‌های دو یا چند جانبه در زمینه همکاری مشترک میان دولتهای عضو کنوانسیون، مقامهای صلاحیتدار هر دولت به درخواست مقامهای طرف دیگر حداکثر همکاری ممکن را در ارتباط با موضوعهای زیر پوشش این کنوانسیون انجام خواهند داد. برای دستیابی به این هدف، هر یک از دولتهای عضو کنوانسیون باید مرجع خاصی را برای دریافت درخواست چنین همکاریهایی و اقدام در این زمینه تعیین کند و سپس، سپردن اسناد تصویب، پذیرش، تأیید و الحاق خود را به اطلاع دبیرکل شورای اروپا برساند.

ماده ۱۳

۱. «کمیتة اروپایی مسائل جرم» شورای اروپا باید در جریان اجرای کنوانسیون قرار بگیرد.
۲. به این منظور هر یک از طرفها [ی کنوانسیون] باید اطلاعات لازم را درباره قوانین و مقررات داخلی مرتبط با موضوعهای زیر پوشش کنوانسیون، در اختیار دبیرکل شورای اروپا قرار دهند.

بخش سوم - مواد پایانی

ماده ۱۴

این کنوانسیون برای امضا به روی کشورهای عضو شورای اروپا باز خواهد بود [و اجرای آن] به تصویب، پذیرش یا تأیید منوط است. اسناد تصویب، پذیرش یا تأیید باید به دبیرکل شورای اروپا سپرده شود.

ماده ۱۵

۱. این کنوانسیون نخستین روز پس از پایان سه ماهه‌ای که پس از تاریخ اعلام رضایت سه کشور عضو شورای اروپا به متعهد شدن به کنوانسیون (مطابق ماده ۱۴) آغاز می‌شود، قابل اجراست.
۲. این کنوانسیون در مورد دولتهایی که رضایت خود به متعهد شدن به آن را بعداً

اعلام می‌کنند، از نخستین روز پس از پایان سه ماهه‌ای که پس از تاریخ سپردن اسناد تصویب، پذیرش یا تأیید آغاز می‌شود، قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱۶

پس از قابل اجرا شدن کنوانسیون، کمیته وزیران شورای اروپا با تصمیم اکثریت مندرج در ماده ۲۰ - د قانون شورای اروپا و با رأی همه نمایندگان دولتهای منعقد کننده که حق شرکت در کمیته را دارند، می‌تواند از دولتهایی که عضو شورای اروپا نیستند، برای پیوستن به این کنوانسیون دعوت کند.

۲. در مورد دولتهایی که به کنوانسیون می‌پیوندند، این کنوانسیون نخستین روز پس از پایان سه ماهه‌ای که پس از تاریخ سپردن اسناد الحاق به دبیر کل شورای اروپا آغاز می‌شود، قابل اجراست.

ماده ۱۷

۱. هر دولتی می‌تواند در زمان امضا یا سپردن اسناد تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق، قلمرو یا قلمروهایی را که این کنوانسیون در آن اجرا خواهد شد، تعیین کند.
۲. هر دولتی می‌تواند در هر زمان دیگری به وسیله یک اعلامیه خطاب به دبیر کل شورای اروپا دامنه اجرای کنوانسیون را به قلمرو دیگری که در اعلامیه آمده است، گسترش دهد. در مورد چنین قلمرویی، کنوانسیون، نخستین روز پس از سه ماهه‌ای که پس از تاریخ دریافت این اعلامیه توسط دبیر کل آغاز می‌شود، قابل اجرا خواهد بود.

۳. هر یک از اعلامیه‌های ذکر شده در دو بند پیش را می‌توان در مورد قلمرو تعیین شده در اعلامیه به وسیله بیانیه‌ای خطاب به دبیر کل لغو کرد. لغو اعلامیه نخستین روز پس از شش ماهه‌ای که پس از تاریخ دریافت بیانیه توسط دبیر کل آغاز می‌شود، اعتبار می‌یابد.

ماده ۱۸

۱. هر دولتی در زمان امضا یا سپردن سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق می‌تواند یک یا چند شرط تحفظ برای خود در نظر بگیرد.
۲. هر دولت منعقد کننده‌ای که از حق تحفظ بهره‌مند بوده است می‌تواند به

وسیله بیانیه‌ای خطاب به دبیر کل تمام یا بخشی از آن را لغو کند. لغو حق تحفظ در تاریخ دریافت آن بیانیه توسط دبیرکل اعتبار می‌یابد.

۳. هر دولتی که نسبت به یکی از مفاد کنوانسیون حق تحفظ دارد نمی‌تواند ادعای اجرای آن را توسط طرف دیگر مطرح کند؛ با وجود این، اگر حق تحفظ جزئی یا مشروط باشد، می‌تواند نسبت به اجرای آن تاجایی که خود آن را پذیرفته است، مدعی شود.

ماده ۱۹

۱. هر یک از طرفهای کنوانسیون می‌تواند در هر زمانی به وسیله بیانیه‌ای خطاب به دبیرکل به عضویت خود در کنوانسیون پایان دهد.

۲. پایان دادن به عضویت در کنوانسیون نخستین روز پس از شش ماهه‌ای که پس از تاریخ دریافت بیانیه توسط دبیرکل آغاز می‌شود، اعتبار می‌یابد.

ماده ۲۰

دبیرکل موارد زیر را به اطلاع دولتهای عضو شورا و هر دولتی که به کنوانسیون پیوسته است، می‌رساند:

- امضا؛

- سپردن سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق؛

- تاریخ قابل اجرا شدن این کنوانسیون به موجب مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷؛ هر اقدام،

بیانیه یا اطلاعیه‌ای مرتبط با این کنوانسیون.

گفتار سوم: نمونه بین‌المللی

اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت*
قطعه‌نامه شماره ۴۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد**

الف) بزه‌دیدگان

۱. «بزه‌دیدگان» اشخاصی‌اند که در پی فعلها یا ترک فعلهای ناقض قوانین کیفری دولتهای عضو - از جمله، قوانینی که سوء استفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند - به صورت فردی یا گروهی به آسیب - از جمله، آسیب بدنی و روانی -، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند.

۲. برپایه این اعلامیه، گذشته از اینکه مرتکب عمل، شناسایی، دستگیر، تعقیب یا محکوم شده باشد یا نه، و گذشته از پیوند خانوادگی میان مرتکب و بزه‌دیده، می‌توان شخص را بزه‌دیده دانست. همچنین، واژه «بزه‌دیده» - به مناسبت - خانواده درجه یک و [دیگر] بستگان بزه‌دیده مستقیم و اشخاصی را که در جریان کمک به بزه‌دیدگان مصیبت دیده یا کمک به پیشگیری از بزه‌دیدگی آسیب دیده‌اند، در برمی‌گیرد.

۳. مقررات مندرج در این اعلامیه باید بدون هیچ تمایزی همچون نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، مذهب، ملیت، باور سیاسی یا باور دیگر، آداب و رسوم فرهنگی، دارایی، موقعیت تبار یا خانواده، خاستگاه قومی یا اجتماعی و ناتوانی [بدنی یا روانی]، درباره همه اشخاص به کار رود.

* گفتنی است ترجمه دیگری از این اعلامیه پیشتر توسط آقای علی شجاعی (کارشناس ارشد حقوق جزا) در کتابچه‌ای به نام «راهنمایی برای سیاست‌گذاران درباره اجرای اعلامیه سازمان ملل متحد...» برای مرکز مطالعات راهبردی به انجام رسیده است.

**General Assembly resolution 40/34, annex, Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, in: The Protection of Human Rights in the Administration of Criminal Justice, By: M. Cherif Bassiouni, Transnational Publishers, Inc. Irvington-on-Hudson, New York, Centre for Human Rights United Nations, Geneva, 1994. pp. 236-239.

روانی، دربارهٔ همهٔ اشخاص به کار رود.

دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه

۴. رفتار با بزه‌دیدگان باید با همدردی و احترام به شأن آنها همراه باشد. آنها در برابر آسیبی که به آن دچار شده‌اند، سزاوار دسترسی به سازوکارهای عدالت و جبران خسارت فوری‌اند؛ آن‌گونه که در قوانین داخلی پیش‌بینی شده است.

۵. وقتی توانمند ساختن بزه‌دیدگان در دستیابی به جبران خسارت از راه شیوه‌های رسمی یا غیر رسمی کارآمد، منصفانه، ارزان و دست‌یافتنی ضروری است، سازوکارهای قضائی و اجرایی باید ایجاد یا تقویت شود. بزه‌دیدگان را باید از حقوق‌شان برای جبران خسارت با چنین سازوکارهایی آگاه ساخت.

۶. شیوه‌های قضائی و اجرایی را در پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیدگان به شکل زیر باید کارآمدتر ساخت:

(الف) آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از نقش و قلمرو خود، زمان‌بندی و [روند] پیشرفت رسیدگیا و وضعیت پرونده‌های‌شان - بویژه در مورد جرمهای شدید - و وقتی چنین اطلاعاتی را درخواست کرده باشند؛

(ب) اجازهٔ طرح و در نظر گرفته شدن دیدگاهها و نگرانیهای بزه‌دیدگان در مراحل مناسب رسیدگیا، بدون غرض‌ورزی نسبت به متهم و هماهنگ با نظام عدالت کیفری داخلی مربوط، وقتی تأثیر پذیرفتن منافع شخصی بزه‌دیدگان در میان باشد.

(پ) فراهم کردن کمک مناسب به بزه‌دیدگان در سراسر فرایند حقوقی؛

(ت) به کارگیری تدابیری برای کاهش گرفتاریها و دردهای بزه‌دیدگان، حفاظت از زندگی خصوصی آنها هنگام ضرورت و تأمین امنیت آنها و خانواده‌های‌شان و گواهانی که از سوی آنها می‌آیند، در برابر تهدید و انتقام؛

(ث) پرهیز از تأخیر غیرضروری در رسیدگی به پرونده‌ها و اجرای دستورها یا حکمهای پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان.

۷. برای آسان کردن سازش و جبران خسارت بزه‌دیدگان باید از سازوکارهای غیررسمی حل اختلاف - مانند میانجی‌گری، داوری و دادگستری سنتی یا روشهای بومی - به مناسبت، بهره‌برداری کرد.

جبران خسارت

۸. بزه کاران یا اشخاص ثالثی که در برابر رفتار آنها پاسخگویند - به مناسبت - باید به گونه منصفانه‌ای از بزه‌دیدگان، خانواده یا بستگان آنها خسارت‌زدایی کنند. این جبران خسارت باید بازگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان وارد شده، پرداخت هزینه‌هایی که به دنبال بزه‌دیدگی حاصل شده است، خدمات‌رسانی و ترمیم حقوق بزه‌دیده را در برگیرد.

۹. حکومتها باید رویه‌ها، مقررات و قوانین خود را برای در نظر گرفتن جبران خسارت به عنوان یک ضمانت اجرای دست یافتنی در پرونده‌های کیفری - در کنار دیگر ضمانت‌اجراهای کیفری - بازنگری کنند.

۱۰. در پرونده‌هایی که به آسیب اساسی به محیط زیست مربوط‌اند، جبران خسارت - اگر دستور داده شود - باید تا اندازه امکان در برگیرنده بازسازی محیط زیست، نوسازی تأسیسات منطقه‌ای و پرداخت هزینه‌های جابه‌جایی - وقتی چنین آسیبی نابسامانی و اخلال در یک منطقه را به دنبال دارد - باشد.

۱۱. هرگاه مأموران دولتی یا دیگر کارگزارانی که در یک سمت رسمی یا شبه رسمی کار می‌کنند، قوانین کیفری داخلی را نقض کنند، بزه‌دیده باید از دولتی که مأموران یا کارگزاران آن پاسخگویی آسیب وارد شده‌اند، خسارت بگیرد. هرگاه حکومتی که فعل یا ترک فعل بزه‌دیده‌ساز در قلمرو حاکمیت آن ارتکاب یافته است، دیگر وجود ندارد، دولت یا حکومت جانشین باید خسارت بزه‌دیده را جبران کند.

غرامت

۱۲. وقتی دریافت کامل غرامت از بزه‌کار یا دیگر منابع امکان‌پذیر نیست، دولتها باید در فراهم کردن غرامت مالی برای اشخاص زیر بکوشند:

الف) بزه‌دیدگانی که به دنبال جرمهای شدید به آسیبهای بدنی عمده‌ای دچار شده یا سلامتی بدنی یا روانی‌شان آسیب رسیده است؛

ب) خانواده و بویژه بستگان کسانی که به دنبال این بزه‌دیدگی مُرده‌اند یا به ناتوانی بدنی یا روانی دچار شده‌اند؛

۱۳. تعیین، تقویت و گسترش صندوقهای ملی برای پرداخت غرامت به

بزه‌دیدگان باید تشویق شود. هرکجا که مناسب باشد، صندوقهای دیگری را نیز می‌توان به این منظور تعیین کرد؛ از جمله در پرونده‌هایی که دولت متبوع بزه‌دیده در وضعی نباشد که برای آسیب وارد شده به بزه‌دیده غرامت پردازد.

کمک

۱۴. بزه‌دیدگان باید در چارچوب ابزارهای حکومتی، داوطلبانه، اجتماع‌مدار و بومی کمک مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی لازم دریافت کنند.

۱۵. بزه‌دیدگان باید از در دسترس بودن خدمات بهداشتی و اجتماعی و دیگر کمکهای مربوط آگاه شوند و دسترسی فوری و آسان به این خدمات برایشان فراهم شود.

۱۶. افسران پلیس، دست‌اندرکاران دادگستری، [مأموران] خدمات بهداشتی و اجتماعی و دیگر کارکنان مربوط برای حساس شدن و توجه به نیازهای بزه‌دیدگان باید آموزش ببینند و رهنمودهایی برای تضمین کمک‌رسانی مناسب و فوری دریافت کنند.

۱۷. در خدمات‌رسانی و کمک به بزه‌دیدگان، باید به کسانی که به دلیل ماهیت آسیب وارد شده یا عواملی مانند آنچه در پاراگراف ۳ آمده، نیازهای ویژه‌ای دارند، بیشتر توجه شود.

ب) قربانیان سوء استفاده از قدرت

۱۸. [این] «بزه‌دیدگان» اشخاصی‌اند که در نتیجه فعلها یا ترک فعلهایی که هنوز ناقض قوانین کیفری داخلی نیستند، ولی ناقض هنجارهای شناخته شده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر به شمار می‌آیند، به صورت فردی یا گروهی به آسیب - از جمله: آسیب بدنی یا روانی - درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند.

۱۹. دولت‌ها باید هنجارهای ممنوع‌کننده سوء استفاده از قدرت را در قوانین داخلی خود بگنجانند و چاره‌ای برای بزه‌دیدگان چنین سوء استفاده‌هایی بیندیشند. چنین چاره‌اندیشیهایی بویژه باید جبران خسارت یا پرداخت غرامت و کمک و حمایت مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی لازم را در برگیرد.

۲۰. دولتها باید برای بستن معاهده‌های بین‌المللی چندجانبه مربوط به بزه‌دیدگان - همان‌گونه که در پاراگراف ۱۸ تعریف شده‌اند- مذاکره کنند.
۲۱. دولتها باید برای تضمین پاسخگویی خود به دگرگونی شرایط، به تناوب در قوانین و رویه‌های موجود بازنگری کنند و در صورت لزوم، قوانینی را برای ممنوع کردن اعمال به وجود آورنده سوءاستفاده‌های شدید از قدرت سیاسی یا اقتصادی و نیز برای ترویج تدابیر و سازوکارهای پیشگیرنده از این اعمال تصویب و اجرا کنند؛ [همچنین، دولتها] باید حقوق و راههای جبران خسارت مناسب، فوری و دسترس‌پذیری را برای بزه‌دیدگان چنین اعمالی گسترش دهند و ایجاد کنند.